

نقد تطبیقی رمان «مادر» اثر ماکسیم گورکی و «دا» اثر زهرا حسینی بر مبنای نقد ساختارگرایانه

مهديه شهرايی فراهانی

کارشناس ارشد ادبیات پایداری، دانشگاه سوره تهران

چکیده

ادبیات تطبیقی از جمله بخش‌های ارزشمند ادبیات می‌باشد که افراد را از تأثیر و تأثر ادبیات دیگر ملت‌ها آگاه ساخته و امکان توسعه و تبادل فرهنگی و ادبی-در میان ملت‌ها را فراهم می‌سازد. ماکسیم گورکی (۱۸۶۸-۱۹۳۶) نویسنده اهل روسیه و صاحب‌قلم در حوزه‌ی رئالیسم سوسیالیستی است که رمان ایشان با عنوان «مادر» از جمله آثار شناخته‌شده در ایران می‌باشد. رمان مادر در سال ۱۹۰۶ نوشته شده و موضوع آن به‌عنوان «پیشاهنگ رئالیسم سوسیالیستی» مورد توجه قرار گرفته است. اعتراضات و قیام‌های سوسیال‌دموکرات‌ها که در این رمان به تصویر کشیده شده‌اند، صاحب‌بن‌مایه‌ی انقلاب بوده و هدفش آگاه ساختن کارگران و دهقانان نسبت به حقوق خود و نیز شوراندن آن‌ها برای انقلاب در سال‌های قبل از انقلاب ۱۹۰۵ است. سیده زهرا حسینی در روایت‌نامه‌ی دا، با نگاهی واقع‌گرایانه -که لازمه‌ی روایت و خاطره است- حوادث و وقایع زمان خود را که گلاویز با خشونت جنگ می‌باشد -در پهنه‌ی خاطرات- با نگاه و رویه‌ای مذهبی به تصویر کشیده است. ماکسیم گورکی که خود از بنیان‌گذاران سیستم بلشویکی در روسیه می‌باشد، تلاش کرده تا با استفاده از استعاراتی چون پدر، مادر، نسل آینده و غیره، اهداف سیاسی خود را با نوعی توهم‌زایی حقوق‌مندی در افراد قابل حصول‌تر بسازد؛ بنابراین ما در این پژوهش برآنیم تا به روش توصیفی - تحلیلی بر مبنای نظریه ساختارگرایی ژرار ژنت به بررسی رمان مادر اثر ماکسیم گورکی و روایت‌نامه دا اثر زهرا حسینی بپردازیم.

کلید واژگان: ماکسیم گورکی، مادر، زهرا حسینی، دا، نقد ساختاری، انقلاب

مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه

دوره ۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، صفحات ۲۸-۴۳